

مبانی، شرایط و آثار حقوقی عقیم شدن قرارداد

سامان عسکری^۱

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۹

کدمقاله: JHVMN-۲۵۰۹-۱۳۲۲

چکیده

«فراستریشن» یا «عقیم شدن قرارداد» یکی از معاذیر قراردادی است که زادگاه آن کامن لا و مشخصاً حقوق انگلیس می باشد. بنابر این عذر قراردادی، هرگاه قراردادی به صورت صحیح منعقد گردد اما اجرای آن به واسطه بروز حادثه ای خارجی، غیر قابل پیش بینی و غیر قابل دفع ناممکن و یا در صورت اجرا اساساً با آن چیزی که مورد قصد و توافق طرفین قرارداد بوده است متفاوت گردد، قرارداد منعقد را می بایست خاتمه یافته و ساقط دانست. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است به بررسی شرایط، مبانی، مصادیق و آثار عقیم شدن قرارداد پرداخته شده است. عقیم شدن قرارداد بر حسب مورد می تواند آثار متفاوتی بر قرارداد داشته باشد که این آثار عبارتند از: تعلیق قرارداد در صورت موقتی بودن مانع و مرتفع شدن آن پس از گذشت مدت زمان متعارف. انحلال یا انفساخ قرارداد در صورت دائمی بودن مانع، حق فسخ قرارداد در صورت ناممکن شدن اجرای بخشی از قرارداد و قابل اجرا بودن بخش دیگر آن و تعدیل قرارداد به منظور کاهش خسارات وارده بین طرفین و سرشکن کردن این خسارت مابین طرفین. بنابراین، اگر اجرای قراردادی به واسطه بروز حوادثی با شرایط مذکور، عقیم و ناممکن گردد، متعهد را باید از مسئولیت و جبران خسارت ناشی از آن معاف دانست. بررسی مبانی، شرایط و آثار عقیم شدن قراردادها نشان می دهد که این نهاد ضمن حفظ ثبات قراردادهای، امکان انعطاف پذیری در برابر رویدادهای غیرعادی را فراهم می آورد.

واژگان کلیدی: فراستریشن، عقیم شدن قرارداد، انتفای قرارداد، معاذیر قراردادی، تغییر اوضاع و احوال.

^۱ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس و وکیل پایه یک دادگستری. (نویسنده مسئول)
samanaskari۱۳۶۶@gmail.com



مقدمه

اصل ثبات یا استحکام قراردادها^۱، امروز در حقوق قراردادها و تعهدات به عنوان یک قاعده کلی و عمومی به رسمیت شناخته شده است. بی تردید، اصل حاکمیت و قاعده تبعیت عقد از قصد مشترک اقتضا می کند که مفاد تراضی همواره محترم و لازم الوفا باشد و هیچ یک از طرفین قرارداد نتواند از اجرای قرارداد و تعهدات ناشی از آن سرباز زنند یا در قلمرو و خواست مشترک تصرف کنند و شرایط قرارداد را تغییر دهند. با این وجود اصل مزبور را نباید یک اصل مطلق و استثنا ناپذیر انگاشت، زیرا علم حقوق، عدم رعایت اصل مزبور را در شرایط خاصی که آن را تحت عنوان «معاذیر قراردادی» می شناسد، مجاز دانسته و امتناع از اجرای قرارداد و یا تغییر در مفاد آن را در موارد استثنائی پذیرفته است. برای مثال، در قراردادهایی که اجرای آن از نظر مادی یا قانونی غیر ممکن می شود، اصل استواری و ثبات معاملات دیگر اعتبار و نفوذی نخواهد داشت.

یکی از معاذیر قراردادی که باعث می شود متعهد از اجرای تعهد خود معاف گردد و مسئولیتی برای وی به بار نیآورد «عقیم شدن یا انتفای قرارداد^۲» است که معادل انگلیسی آن «فراسترینشن^۳» می باشد. عقیم شدن قرارداد به عنوان یک عذر قراردادی با اینکه موضوع مهمی در حقوق کشورها است اما در کشورمان چنان مورد توجه قرار نگرفته است و حتی ماده ۲۶۴ ق. م. کشورمان که به ذکر اسباب سقوط تعهدات پرداخته، از آن به عنوان سبب سقوط تعهد نامی نبرده است و تنها در موارد ۲۲۷ و ۲۲۹ ق. م. و شرایط آن آمده است. البته این موارد در حقوق ایران و مشخصاً قانون مدنی به عنوان قوه قاهره شناخته شده است، هر چند تصدیحی به این نام هم نشده است. با این وجود قانون گذار در این موارد فقط متعهد را از مسئولیت معاف نموده است و تکلیف خود قرارداد را مشخص نکرده است. به صورت پراکنده در قانون مدنی و سایر قوانین کشورمان مشاهده می گرد که می توان آنها را از مصادیق عقیم شدن در قوانین ایران دانست از جمله ماده ۳۸۷ ق. م. که مقرر می دارد: «اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد، مگر ...» و همچنین مواردی از قبیل مواد ۵۱ و ۵۱۱ همان قانون. اینک با

۱. stability of contract

۲. Frustration of contract.

۳. Frustration



توجه به اهمیت موضوع مورد بحث سعی می نمائیم، این نهاد حقوقی را با توجه به قانون ایران، انگلیس، فقه و... مورد بررسی و تفحص قرار دهیم.

۱- تعریف عقیم شدن یا انتفای قرارداد

هر چند در مورد عقیم شدن یا انتفای قرارداد، تعریف دقیق و مشخصی ارائه نگردیده است اما سعی می نماییم به ذکر تعریف این نهاد حقوقی بپردازیم. «فراستریشن» در لغت به معنی عقیم گذاری، خنثی سازی، عجز و ناکامی آمده است. (s.Haim, ۲۰۰۳, ۱۵۱) و در اصطلاح در فرهنگ حقوقی آکسفورد «فراستریشن یا عقیم شدن قرارداد» این چنین تعریف گردیده است: «عقیم شدن یا انتفای قرارداد عبارت است از انحلال و پایان پیش هنگام قرارداد در اثر اوضاع و احوالی که اجرای آن را غیر ممکن ساخته است یا دست کم قرارداد را نسبت به آنچه پیش بینی می شده، آنچنان متفاوت کرده است که ملزم دانستن طرفین به اجرای مفاد قرارداد، معقول و منطقی نخواهد بود. این قاعده از این اصل ناشی می شود که عدم امکان اجرای واقعی یا قانونی اجرای قرارداد که به طور ناگهانی رخ داده و قابل انتساب به تقصیر هیچ یکی از طرفین نیست، قرارداد را منحل می کند.» (walker, ۱۹۸۰, ۵۰۶) در فرهنگ حقوقی بهمین نیز «عقیم شدن قرارداد» این چنین تعریف گردیده است: «خاتمه غیر قابل پیش بینی یک قرارداد در اثر واقعه ای که سبب غیر ممکن یا غیر قانونی شدن آن می شود و یا مانع از حصول هدف اصلی آن گردد». (آقایی، ۱۳۸۵، ۵۹۸) عقیم شدن یا انتفای قرارداد به دو شکل «انتفای خود قرارداد^۱» و «انتفای هدف قرارداد^۲» بروز پیدا می نماید. منظور از «انتفای خود قرارداد» آن است که هرگاه با توجه به شرایط قراردادی یا قصد طرفین بقای وجود چیز خاصی برای اجرای تعهد و قرارداد لازم و ضروری باشد و آن چیز در زمان اجرا از بین رفته باشد التزام به انجام تعهد و قرارداد نیز از بین می رود. در مقابل «انتفای هدف قرارداد» به آن معنا است که قرارداد برای رسیدن به هدف خاص و معلومی متعقد شده باشد، اما به دلیل اوضاع ویژه ای که پس از انعقاد قرارداد به وجود آمده، آن هدف از بین رفته و تحقق آن قابل تصور نباشد. در چنین شرایطی متعهد از اجرای

۱. Frustration of contract

۲. Frustration of purpose



تعهد معاف می شود؛ حتی اگر هیچ مانعی برای اجرای واقعی تعهد وجود نداشته باشد. دقت در این دو بخش نشان می دهد در برخی مواقع عقیم شدن قرارداد واقعی است و در برخی دیگر حامی یعنی در حالی که اجرای قرارداد ناممکن نیست، بی ثمر بودن آن در حکم معدوم و عقیم قرار می دهد. (اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۷۰) در حقوق ایران عقیم شدن یا عدم امکان اجرای قرارداد جایگاه قانونی مستقل و مشخصی ندارد. بلکه در موارد مختلفی که در ابواب قانون مدنی پراکنده است به جستجوی آن پرداخت^۱. به همین دلیل معمولاً در آثار و تألیفات حقوقی نیز این موضوع به عنوان مبحث مستقلی نگریسته نشده و کمتر به عنوان یک قاعده کلی مورد توجه قرار گرفته شده است. بیشترین بابتی که در آن مسائل مربوط به عدم امکان اجرای تعهدات آن هم به طور ضمنی، مطرح شده مبحث «خسارات حاصل از عدم اجرای تعهد» است در این باب که غالباً تحت عنوان «قوه قاهره یا فورس ماژور^۲» مورد توجه قرار گرفته است، که تقریباً مراد از «قوه قاهره» یا «فورس ماژور» در قوانین و حقوق ایران با اندکی تفاوت همان «فراستریشن» یا «عقیم شدن» و یا همان «انتفای قرارداد» در حقوق انگلیس می باشد که موضوع مورد مطالعه و بررسی ما است. بنابراین «عقیم شدن قرارداد» را معادل فارسی واژه انگلیسی «فراستریشن» به کار می بریم. دکترین فراستریشن از نهادهای نظام حقوقی «کامن لا^۳» و مشخصاً سیستم حقوقی انگلیس می باشد و کاربرد آن با تفاوت خاصی مشابه قوه قاهره یا فورس ماژور در نظام حقوقی^۴ نوشته می باشد. (نیکبخت، ۱۳۷۴، ۱۰۳) قانون گذار ما در مبحث «خسارات حاصله از عدم اجرای تعهد» در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ ق. م. به مسأله معاذیر قراردادی پرداخته است. مطابق ماده ۲۲۷ «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی توان مربوط به آن نمود» و به موجب ماده ۲۲۹ «اگر متعهد به واسطه حادثه ای که رفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود». این مواد که از قانون مدنی فرانسه اقتباس شده اند

۳. ر.ک. مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ ق. م. در باب خسارات حاصل از عدم اجرای تعهدات، مواد ۵۲۷، ۴۹۶، ۴۸۳، ۴۷۱، ۳۸۷، بندهای ۳، ۴، ماده ۵۵۱ و ماده ۵۸۷ در باب عقود مختلف قانون مدنی

۴. Force majeure

۵. common law

۶. legal system



دو شرط را برای فورس ماژور یا قوه قاهره (معادل فراستریشن یا عقیم شدن قرارداد در انگلیس) قید کرده‌اند که عبارتند از: خارجی بودن و غیر قابل دفع بودن حادثه. اما نویسندگان و شارحین قانون مدنی شرط عدم پیش بینی را هم با استناد به جمله «... نمی توان مربوط به او نمود» و با توجه به بند ۴ ماده ۱۱۳۲ قانون مدنی فرانسه که صحبت از «حادثه غیر منتظره» می کند به شرایط فوق افزوده‌اند. به نظر می رسد ماده ۲۲۷ قانون مدنی و جمله اخیر الذکر آن کافی بوده و حتی نیازی به ماده ۲۲۹ نمی باشد، وقتی که مانع قابل دفع بوده و یا علت خارجی باشد، در واقع عدم انجام تعهد را می توان به متخلف مربوط نمود، بنابراین همین یک شرط کافی است که رابطه سببیت میان متعهد و عدم انجام تعهد را از بین ببرد و وی را از مسئولیت معاف سازد.

۲- مبانی حقوقی عقیم شدن قرارداد

در مورد عقیم شدن یا انتقالی قرارداد مبانی مختلفی ذکر شده است که در این جا به ذکر مهم‌ترین این مبانی می‌پردازیم:

الف- نظریه اساسی تعهد، طبق این مبنا که مجلس اعیان انگلیس آن را در دعوایی در سال ۱۹۵۶ مورد توجه قرارداد، تغییری که در قرارداد باید به وجود آید تا عقیم شدن قرارداد به معنای اصطلاحی تحقیق یابد، لازم است به گونه‌ای باشد که موضوع تعهد در صورتی که حتی امکان اجرای آن وجود داشته باشد، چیزی متفاوت با موضوع مورد توافق طرفین باشد. این نظریه در حقوق ایران نیز قابل پذیرش است و می توان آن را با بحث وحدت مطلوب و تعدد مطلوب تطبیق داد. (جعفری و تلخابی، ۱۳۸۹، ۴۲) به این ترتیب دگرگونی طبیعت تعهد و تغییر اساسی آن در دید عرف، مبانی صدور حکم بر عقیم شدن قرارداد و معاف شدن طرفین از اجرای آن در بسیاری از دعاوی مطرح شده در انگلیس و آمریکا است. (Treitel, ۱۹۹۰, ۷۸۰)

ب- نظریه تعذر اجرای قرارداد، بر اساس این نظریه زمانی قرارداد عقیم می گردد که موضوع تعهد بر اساس حادثه ای خارجی و غیر قابل پیش بینی امکان اجرای خود را از دست داده باشد. (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۱۱۱)

ج- نظریه شرط ضمنی، یکی از تئوری یا نظریاتی که در حقوق انگلیس به عنوان مبنای دکترین فراستریشن یا عقیم شدن قرارداد اعلام شده، نظریه شرط ضمنی است. بر اساس نظریه مزبور اجرای دکترین دکترین فراستریشن و انحلال قرارداد، بر این شرط ضمنی در قرارداد مبتنی است که ایشان قرارداد را در جایی که با حادثه ای برخورد می نماید و اجرای آن نا ممکن می گردد، خاتمه یافته تلقی نمایند. (صدیقی زاده، ۱۳۷۵، ۶۳) در فقه و حقوق ایران به این علت که دلیلی بر «شرط ضمنی بودن انجام تعهد در قبال همدیگر در صورت انتفای قرارداد» وجود ندارد، با توجه به اصل عدم نمی توان چنین نظریه ای را صحیح دانست. اما اگر تغییر در شرایط قراردادی به قدری اساسی باشد که شرایط فعلی با آنچه مقصود طرفین بوده، کاملاً متفاوت شود، به نظر می رسد بتوان به موجب قاعده «العقود تابعه القصود» حکم به انحلال و انتفای قرارداد کرد. (جعفری و تلخایی، ۱۳۸۹، ۴۳) با وجود سه نظریه مزبور قابل دفاع می باشند، در عین حال به نظر می رسد که مبنای نظریه عقیم شدن قرارداد را بتوان رعایت عدالت و انصاف حقوقی دانست. زیرا عدالت و انصاف، اجرای قرارداد را که امکان اجرای آن وجود ندارد را لازم نمی داند. بنابراین زمانی که پس از انعقاد قرارداد، اجرای آن به دلیل بروز حوادثی غیر منتظره، غیر قابل پیش بینی و همچنین غیر قابل انتساب به متعهد (خارجی بودن حادثه) ناممکن و یا در صورت امکان اجرا اساساً با آن چیزی که مورد قصد و توافق طرفین قرارداد بوده است متفاوت گردد، عدالت و انصاف حکم می نماید که در چنین شرایطی قرارداد منعقد شده را بر حسب مورد منفسخ، معلق و... بدانیم. در فقه اسلامی نیز نظریه عقیم شدن قرارداد تحت عنوان قاعده « بطلان عقد به لحاظ تغدر و فاء به مضمون آن » با « بطلان کل عقد یتعذر الوفا » مطرح گردیده است. بنابراین مبنای این نظریه را در فقه می توان متعذر شدن اجرای تعهد یا قرارداد و به عبارتی نا ممکن شدن اجرای آن دانست.

۳- شرایط و اوصاف عقیم شدن قرارداد

اکثر حقوقدانان ها تصریح کرده اند که برای تحقق عذر عدم اجرای تعهدات و قراردادهای از جمله عقیم شدن قرارداد حصول عرفی چند شرط لازم و ضروری است این شرایط عبارتند از:



۳-۱- خارجی بودن^۱ حادثه

ماده ۲۲۷ ق. م. م. مقرر می‌دارد: «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم تأدیه می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود». از عبارت «علت خارجی» دو برداشت متفاوت به ذهن متبادر می‌گردد: نخست این که علت باید خارج از وجود شخص متعهد باشد به عبارتی مربوط به لوازمات و امورات جاریه شخص متعهد نباشد، مثلاً کارگران متعهد، دستگاه‌ها و تجهیزات مورد استفاده متعهد و غیره نباشد. برداشت دوم از عبارت خارجی بودن این است که موضوع قابل انتساب به متعهد نباشد با دقت در بخش دوم ماده ۲۲۷ ق. م. م. به نظر می‌رسد که همین نظر اخیر صحیح است و این برداشت را به صراحت می‌توان از جمله «نمی‌توان به او مربوط نمود» استنباط کرد. (اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۱۱۶)

۳-۲- اجتناب ناپذیر و غیر قابل دفع بودن^۲ حادثه

شرط دیگری که همه نظریه پردازان و حقوقدانان‌ها برای تحقق عقیم شدن قرارداد ذکر کرده‌اند غیر قابل اجتناب یا عدم امکان دفع می‌باشد. بنابراین اگر حادثه مورد نظر «قابلیت اجتناب» یا «امکان دفع» داشته باشد نمی‌توان متعهد را معاف از خسارات ناشی از نقض تعهد و قرارداد دانست. اسماعیلی، (۱۳۸۱، ۱۲۵) حادثه‌ای عقیم کننده تلقی می‌شود که غیر قابل اجتناب و به تعبیر دیگر غیر قابل دفع باشد. در واقع تعهد با وقوع چنین حادثه‌ای غیر ممکن می‌شود و هیچ کس متعهد به امر غیر ممکن نیست. در حقوق ایران، ماده ۲۲۹ ق. م. م. بدین شرط تصریح و در حقوق فرانسه، ماده ۱۱۴۸ ق. م. م. بدان اشاره می‌کند. (صفایی، ۱۳۷۵، ۴۰۰)

۳-۳- غیر قابل پیش بینی بودن^۳ حادثه

برای تحقیق فراستریش یا قوه قاهره، حادثه باید غیر قابل پیش بینی باشد، زیرا اگر امکان پیش بینی حادثه وجود داشته باشد چه بسا بتوان با احتیاط‌های لازم و اقدامات مناسب از ایجاد خسارت جلوگیری به عمل آورد. (عیسایی تفرشی و شرافت پیمان، ۱۳۸۶، ۱۹۶)

۱- Exterioire.

۲- Inevitable – Irresistible.

۳- Unforeseeable



البته غیر قابل پیش بینی نبودن بدین معنی نیست که حادثه قبلاً هیچ گاه واقع نشده باشد همه حوادثی که تازگی ندارند به یک معنی غیر قابل پیش بینی هستند. قابلیت پیش بینی مجرد و کلی در اینجا مورد نظر نیست. حادثه هنگامی غیر قابل پیش بینی است که علت خاصی برای تصور پیش آمدنش وجود نداشته باشد. مثلاً زلزله در ناحیه ای که زلزله خیز نبوده حادثه ای غیر قابل پیش بینی تلقی می شود. به تعبیر دیگر حادثه مزبور باید غیر عادی، ناگهانی و نادر باشد. (صفایی، ۱۳۷۵، ۴۰۲) در قانون مدنی ایران در خصوص غیر قابل پیش بینی بودن هیچ دستور صریحی وجود ندارد لیکن در بعضی قسمت ها به طور تلویحی به حوادث غیر قابل پیش بینی اشاره شده است. مثلاً در بند ۴ ماده ۱۳۱۲ در باب اول شهادت به حادثه غیر منتظره یا غیر قابل پیش بینی اشاره می کند که موجب از بین رفتن سند شده و در نتیجه شهادت را جایگزین می نماید. البته علاوه بر سه شرط ذکر شده، برخی نیز به این شروط و عناصر، شرط چهارمی هم اضافه نموده اند که همان رابطه علیت میان مانع و عدم اجرای قرارداد یا تعهد است. (داراب پور، ۱۳۷۴، ۱۳۶)

۴- مصادیق عقیم شدن قرارداد

بدیهی است نمی توان فهرست و تقسیم بندی کاملی از حوادث عقیم کننده قرارداد ارائه دارد. همانگونه که اتاق بازرگانی بین المللی^۱ در مورد شرط فورس ماژور این گونه بیان می دارد: « احصاء و ذکر موارد و مصادیق فورس ماژور در بند ۲ شرط مذکور، کامل و شامل نسبت و به معنای محدود کردن و منحصر دانستن فورس ماژور به مصادیق یاد شده نمی باشد». (محبی، ۱۳۶۹، ۲۶) به علاوه مطابق آنچه در اصل ۷۹ کنوانسیون بیع بین المللی یا قانون متحد الشکل بیع بین المللی آمده است، امکان شمارش همه چیزهایی که مانع اجرای قرارداد می شود وجود ندارد به خصوص که تعریف و ضابطه دقیقی برای نهاد مزبور ارائه نشده است. (سلیمی، ۱۳۸۴، ۹۱) با این حال سعی می نمایم به ذکر مهم ترین مصادیقی که غالباً منجر به عقیم شدن قرارداد می گردند بپردازیم.

^۱ . International chamber of commerce (I.C.C) .



۴-۱- از بین رفتن موضوع قرارداد

ساده‌ترین و شایع‌ترین مورد عقیم شدن قرارداد زمانی رخ می‌دهد که اجرای قرارداد بستگی به بقه و حیات شیء معینی داشته باشد و بعد از انتقای قرارداد آن شیء به طور فیزیکی از بین برود. گفته شده است که در هر قرارداد به طور ضمنی شرطی وجود دارد که طبق آن عدم امکان اجرای قرارداد به دلیل تلف شیء مورد تعهد موجب ساقط شدن تعهد اجرای قرارداد می‌گردد. مانند این که کشتی اجاره ای به علت انفجار تلف شود و در نتیجه قادر به بارگیری نباشد. در این مورد، قرارداد مربوط به حمل کالا توسط چنین کشتی ای یک قرارداد عقیم تلقی می‌شود، زیرا اجرای قرارداد حمل موکول به وجود چنان کشتی خاصی بوده است. (مومنی، ۱۳۶۸، ۲۸۰) در حقوق ایران حکم کلی مربوط به تلف موضوع تعهد در ماده ۳۸۷ ق. م در مبحث بیع ذکر گردیده است. که به موجب آن آمده است: «اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد، مگر این که...» همین حکم در اجاره نیز وجود دارد، طبق ماده ۴۸۳ ق. م. اگر در مدت اجاره عین مستأجره به واسطه حادثه کلاً یا بعضاً تلف شود از زمان تلف نسبت به مقدار تلف شده منفسخ می‌شود. با توجه به توضیحات مختصری که در مبحث از بین رفتن موضوع قرارداد آوردیم، مشاهده می‌گردد که از بین رفتن موضوع قرارداد که از مصداق‌های بارز عقیم شدن قراردادی باشد، یکی از اسباب سقوط تعهدات می‌باشد، هر چند که قانون‌گذار ما در بحث سقوط تعهدات و مشخصاً ماده ۲۶۴ ق.م. از آن ذکری به میان نیاورده است بر عکس آن چه در ماده ۱۲۳۴ قانون مدنی فرانسه در رابطه از بین رفتن موضوع تعهد و اسباب سقوط تعهد آمده است.

۴-۲- مرگ یا ناتوانی متعهد در انجام تعهد

به طور معمول تعهد وابسته به شخصیت طرفین قرارداد نیست و امکان انتقال آن وجود دارد. پس از مرگ طلبکار (متعهدله) حقوق مالی او به وارثان انتقال می‌یابد و آنان می‌توانند به جانشینی مورث و به عنوان صاحب جدید حق به بدهکار رجوع کنند. مرگ بدهکار نیز سبب می‌شود. که بدهی به ترکه گیرد و وارثان برای تملک آن ناچارند که دین را از دارایی جدید خود بپردازند. با وجود این، در تعهد هایی که وابسته به یکی از طرفین است، مرگ او سبب انحلال تعهد می‌شود در این گونه موارد بقای شخصیت طلبکار با بدهکار قید بقای تعهد نیز هست. (کاتوزیان، ۱۳۷۹،

۵۴۱) برای روشن تر شدن مطلب به ذکر مثالی می پردازیم: مثلاً هرگاه یک نقاش ماهر و چیره دست تعهد نماید که در ازای مبلغ معینی یک تابلوی نقاشی از متعهدله ترسیم نماید و بعد از انعقاد قرارداد نقاشی مزبور فوت نماید، این تعهد و قرارداد خود به خود منحل و به عبارتی این قرارداد عقیم می گردد و از طرفی اجرای تعهد را نمی توان از ورثه نقاشی خواستار شد، چرا که ورثه قادر به اجرای قرارداد و ترسیم نقاشی مزبور نمی باشند و به عبارتی این تعهد یک تعهد قائم به شخص می باشد. شارحان اصل ۷۹ کنوانسیون ۱۹۸۰ وین با اشاره به همین موضوع گفته اند: «اگر فروشنده قادر نباشد قرارداد را مطابق آن چه خریدار تعیین کرده، اجرا کند ولی دسترسی به «جانشین متعارف تجاری» آن بسیار مشابه و نزدیک به آنچه که طرفین بدو در قرارداد بر روی آن توافق کرده اند، داشته باشد، اقدام خریدار مبنی بر امتناع از پذیرش شیوه ثانوی ایفاء تعهد ناقص رعایت اصول کلی حسن نیت خواهد.» (داراب پور، ۱۳۷۴، ۱۳۵)

۴-۳- غیر قانونی شدن قرارداد

عمل قانون گذار یا دستور دولتی ممکن است فراستریشن یا عامل عقیم کننده قرارداد تلقی شود و این در صورتی است که این عمل یا دستور، اجرای تعهد را غیر قانونی و نا مشروع و در نتیجه غیر ممکن گرداند. عدم امکان اجرای تعهد، ممکن است عادی و فیزیکی و یا حقوقی و قانونی باشد. قاعده عمومی این است که اجرای قرارداد هنگامی مستلزم نقض حقوق یا دستور یا تصویب نامه دولتی باشد، نمی تواند الزامی باشد. اجرای قرارداد در چنین مواردی، تجاوز به نظم عمومی قلمداد می شود و حتی گنجاندن شرط مخالف در قرارداد را نیز به علت مخالفت با نظم عمومی باطل دانسته اند. (افشار قوچانی، ۱۳۸۹، ۱۴۰) از مهم ترین مصادیق غیر قانونی شدن قرارداد می توان به وقوع جنگ، ممنوعیت های صادراتی و وارداتی و پروانه صدور و ورود و سهمیه ها نام برد که در این جا فقط به ذکر این عناوین اکتفا می گردد!

۱- برای دیدن توضیح و شرح موارد مذکور شامل جنگ، ممنوعیت های صادراتی و وارداتی و پروانه صدور و ورود و سهمیه ها) می توان به پایان نامه اینجانب با عنوان «بررسی ماهیت و آثار حقوقی عقیم شدن قرارداد» به راهنمایی دکتر هادی احتشامی (آبان ۱۳۹۲)، صص ۵۹-۵۳ رجوع نمود.



۴-۴- تغییر بنیادی اوضاع و احوال^۱

هرگاه پس از انعقاد قرارداد چنین تغییراتی اساسی در اوضاع و احوال به وجود آید که بنیاد و اساس قرارداد را عوض کند، به نحوی که اگر قرارداد باقی و معتبر تلقی گردد مبدل به قرارداد جدید و متفاوتی غیر از آنچه که طرفین قرارداد در ابتدا و هنگام انعقاد قرارداد قصد آن را داشته اند می شود، در این صورت چنین قراردادی عقیم شده تلقی خواهد شد. (مومنی، ۱۳۶۷، ۲۸۱) نکته اساسی ای که در پایان مبحث مصادیق عقیم شدن قرارداد باید متذکر شویم آن است که عوامل عقیم کننده قرارداد، فقط تا جایی قرارداد را تحت تأثیر قرار می دهد که آن عوامل اثرگذار ماست. بنابراین این ممکن است قرارداد به طور کامل عقیم نشود بلکه قسمتی از آن مقهور عوامل فوق واقع شده و عقیم گردد به عنوان مثال هرگاه قرارداد به یکی از طرفین این حق را می دهد که یکی از چند طریق مختلف را جهت اجرای قرارداد انتخاب نماید و یکی از آن طرق عقیم گردد، در این صورت قرارداد کاملاً منتفی نمی گردد، بلکه یکی از طرق باقیمانده باید اجرا شود. یا اگر قرارداد حاوی تعهدات مختلف باشد که هر کدام بالاستقلال قابل اجرا باشد و عوامل عقیم کننده قرارداد اجرای یک یا چند فقره از تعهدات را متغدر سازد، قرارداد به صورت جزئی عقیم می گردد. (مومنی، ۱۳۶۷، ۲۸۹)

۵- موقتی یا دائمی بودن مانع

در رابطه با موقتی^۲ یا دائمی^۳ بودن یا حادثه ای که موجب عقیم شدن قرارداد می شود باید گفت: صرف تأخیر یا متوقف شدن اجرای ایفای تعهد به خودی خود باعث عقیم شدن قرارداد نمی شود. این تأخیر یا وقفه باید به قدری طولانی باشد که هدف مورد نظر در قرارداد را منتفی و اجرای تعهد را از اساس با آنچه طرفین پیش بینی کرده اند متفاوت سازد؛ چندان که ادامه اجرای قرارداد بعد از این وقفه را بتوان به مثابه یک واقعه کاملاً جدید تلقی کرد که در قلمرو تراضی طرفین نبوده است. (شفاهی، ۱۳۷۶، ۵۲)

۱. Fundation change of circumstances

۲. Temporary

۳. Continual – permanent



بنابراین هرگاه مانع عقیم کننده دائمی باشد و در آینده امید از بین رفتن آن و پدید آمدن شرایط عادی وجود نداشته باشد قرارداد منحل (منفسخ) می‌گردد. لیکن اگر مانع عدم اجرای تعهد موقتی باشد و مانع مزبور پس از گذشت مدت زمان متعارف، مرتفع گردد، موجب تعلیق اجرای قرارداد خواهد شد و پس از رفع مانع در صورتی که اجرای تعهد کماکان برای متعاقدین مقبولیت و موضوعیت داشته باشد مجدداً قابلیت اجرا خواهد یافت. (حافظی احمدی، ۱۳۹۲، ۵۹) البته لازم به ذکر است که در تعریف مفهوم حقوقی منتفی شدن یا عقیم شدن قرارداد، علمای حقوق انگلستان می‌گویند: منتفی شدن یا عقیم شدن قرارداد تنها زمانی واقع می‌شود که متعاقب انعقاد قرارداد، وضعیت اساساً متفاوتی به طور غیر منتظره رخ دهد و در واقع اجرای قرارداد به صورتی که مورد نظر طرفین بوده است، غیر ممکن شود. (نیکبخت، ۱۳۷۴، ۱۰۳)

« لرد رادکلیف^۱» در این زمینه چنین می‌گوید: «... انتفای قرارداد واقع می‌شود هرگاه قانون تصدیق نماید که اجرای تعهد قراردادی بدون کوتاهی یا قصور هر کدام از طرفین غیر مقدور شده، زیرا اوضاع و احوالی که اجرای قرارداد در آن قرار می‌گیرد، آن را از بنیان با آنچه که به موجب قرارداد تعهد شده بود متفاوت می‌سازد. (این آن امری نبود که من انجامش را تعهد کردم^۲)». بنابراین معیار این که آیا واقعه‌ای عقیم کننده قرارداد محسوب می‌شود این است که آن واقعه اجرای نهایی تعهدات قراردادی مربوطه را در مقایسه با آنچه به موجب قرارداد تعهد شده بود «از بنیان متفاوت» نماید. بنابراین در این صورت تفاوتی بین حادثه و مانع موقتی و دائم نمی‌باشد و کافی است که تأخیر در اجرا، آنچنان اجرای قرارداد را عمیقاً دگرگون کند که منتهی به اجرای تعهدی کاملاً متفاوت با آنچه در ابتدا مورد نظر طرفین قرارداد بوده است، بشود. در این صورت طرفین قرارداد از تعهداتشان معاف خواهند شد. (Barry, ۱۹۷۹, ۲۳۴)

۳- Lord Radcliff

۴- Non haec in foedera veni



۶- آثار حقوقی عقیم شدن قرارداد

بحث در این رابطه است که پیدایش حوادث ناگهانی، غیر قابل اجتناب و خارجی که اجرای قرارداد را ناممکن می‌سازد، چه تغییری در وضعیت قرارداد و یا مسئولیت به وجود می‌آورد. یا به عبارتی، قراردادی که تا پیش از حادث شدن این گونه حوادث، صحیح، معتبر و لازم الاجرا بوده است با چه وضعیتی رو به رو می‌گردد؟ عموم نویسندگان (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۱۹۹-۲۰۱ و جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ۲۵۱)، برای پاسخ به این پرسش، به میزان قدرت و دوام فراستریشن اشاره کرده و گفته‌اند در صورتی که حوادث مذکور چنان موثر باشند که اجرای تعهد را برای همیشه ناممکن سازد و یا به عبارتی حادثه یا مانعی که باعث عقیم شدن قرارداد گردیده است دائمی باشد، قرارداد منحل شده و از اعتبار ساقط است. اما اگر عدم امکان اجرا و یا حادثه موقتی بوده و حوادث مورد نظر دارای اثر مقطعی باشند، قرارداد تنها معلق خواهد شد و همان گونه که می‌دانیم قرارداد در حالت تعلیق، همچنان به قوت خود باقی است و پس از مرتفع شدن مانع به حالت قبل از تعلیق بر می‌گردد و لذا اجرای قرارداد ادامه می‌یابد. آن گونه که ذکر گردید، اغلب موارد در برخورد با عقیم شدن قرارداد با دو حالت انحلال (انفساخ) و تعلیق قرارداد مواجه می‌گردیم اما عقیم شدن دارای آثار دیگری نیز می‌تواند باشد که ما ضمن توضیح این آثار سعی می‌نماییم آثار عقیم شدن قرارداد را تحت عنوان آثار عقیم شدن بر قرارداد و آثار عقیم شدن بر مسئولیت مورد بررسی قرار دهیم.

۶-۱- آثار عقیم شدن بر قرارداد

عقیم شدن قرارداد زمانی محقق می‌شود که پس از انعقاد قرارداد، حادثه‌ای غیر قابل پیش بینی و خارج از اراده طرفین رخ دهد و اجرای تعهدات ناممکن یا بی‌فایده سازد. در این وضعیت، قرارداد از نظر حقوقی کارکرد خود را از دست داده و ادامه الزام طرفین به اجرا، خلاف عدالت قراردادی و اصول انصاف تلقی می‌شود. اثر اصلی عقیم شدن، انجلال قهری قرارداد بدون نیاز به فسخ یا اقاله هست. علاوه بر انحلال، عقیم شدن آثار دیگری از جمله تعلیق قرارداد، فسخ قرارداد و تعدیل قرارداد نیز دارد که در ذیل به بررسی موارد مذکور خواهیم پرداخت.

۶-۱-۱- انحلال یا انفساخ قرارداد

هرگاه حادثه یا مانعی که موجب عقیم شدن قرارداد می گردد، دائمی و همیشگی باشد و امید مرتفع شدن این مانع وجود نداشته باشد، با انحلال یا انفساخ قرارداد مواجه خواهیم شد. لرد سایمون^۱ در این زمینه چنین می فرماید: « وقتی عقیم شدن قرارداد به معنی حقوقی آن رخ می دهد، مفهوم آن صرفاً ایجاد یک وسیله دفاعی برای یکی از طرفین در مقابل دیگری که اقامه دعوی کرده است، نیست. بلکه عقیم شدن قرارداد، خود قرارداد را منتفی کرده و آن را از بین می برد و تعهدات طرفین به خودی خود ساقط می گردد» (مومنی، ۱۳۶۷، ۲۹۰).

۶-۱-۲- تعلیق قرارداد

موانعی که اجرای قرارداد را نا ممکن می سازند، همیشگی و پایدار نیستند، برخی از موانع و حوادث، تنها برای مدتی محدود یا متعارف بر اجرای تعهد تأثیر گذاشته و آن را ناممکن و عقیم می سازند. در چنین مواردی دیگر نمیتوان نتیجه آن حادثه قهرآمیز را انحلال یا انفساخ تعهد یا قرارداد دانست. در این حالت « تعلیق تعهد یا قرارداد» به عنوان اثر حدوث عقیم شدن قرارداد شناخته شده است (اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۲۱۲). در چنین شرایطی پس از رفع مانع، قرارداد اثر خود را باز می یابد مشروط بر اینکه اجرای آن، فایده خود را حفظ کرده و اجرا آن را اراده طرفین سازگار باشد متشخص این که آیا بعد از انقضای مدت تعلیق قرارداد فایده خود را حفظ کرده و اجرای آن با اراده طرفین سازگار است یا خیر، با دادگاه است و در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که ماهیت قرارداد به کلی دگرگون شده و اجرای آن بر خلاف اراده مشترک طرفین در زمان وقوع عقد است حکم به انحلال آن خواهد داد. (صفایی، ۱۳۷۵، ۴۰۹)

۶-۱-۳- حق فسخ قرارداد

تمام مطالبی که تا کنون گفته شد با این فرض بود که عقیم شدن قرارداد، « تمام» تعهد قرارداد را تحت تأثیر موقت و یا دائم خود قراردادده باشد و مثلاً کل قرارداد را برای مدتی کوتاه یا همیشگی نا ممکن ساخته باشد. با این حال فرض دیگری نیز در اینجا قابل تصور است که اتفاقاً در عمل نیز فراوان دیده می شود. آن فرض چنین است که حدوث فراستریشن تنها بخشی از تعهد و قرارداد را

^۱. Lord Simon



دچار مشکل نموده و بخش دیگر همچنان قابل اجرا باشد. برای مثال، هرگاه پیمانکاری تعهد کرده باشد یکصد خانه سازمانی را در مدت دو سال ساخته و به تدریج تحویل کارفرما دهد اما پس از ساخت و تحویل نیمی از خانه ها، به دلیل پیش آمدی که قابل پیش بینی نبوده و اجتناب ناپذیر است، ساخت نیم دیگر خانه های مورد تعهد برای او نا ممکن شود این سوال رخ نمایان می کند که سرنوشت اعتبار قرارداد چه خواهد شد؟

تردیدی نیست که عقد، نسبت به همان بخشی که اجرای آن نا ممکن گردیده (آن هم در صورتی که مانع دائمی باشد) منفسخ خواهد شد اما نسبت به بخشی که هنوز قابل اجرا است یا قبلاً اجرا گردیده، تکلیف چیست؟ آیا باید عقد را نسبت به آن بخش هم منفسخ (اگر هنوز اجرا نشده است) یا باطل (اگر بخشی از قرارداد پیش از وقوع حادثه اجرا گردیده است) دانست و در نتیجه برای کارهای انجام شده نیز اجرت المثل قرارداد؟ یا اینکه باید عقد را در قسمتی که به عدم امکان اجرا دچار شده صحیح دانست و حداکثر اینکه برای متعهدله نسبت به قسمت دیگر حق فسخ قائل شد؟

گرچه قانون مدنی پاسخ صریحی به این پرسش نداده است اما از نوشته های حقوقی چنین استنباط می شود که راه دوم (حق فسخ) در حقوق ایران طرفداران بیشتری دارد و علاوه بر سازگاری بهتر با قواعد کلی، از پشتوانه فقهی نیز برخوردار است. ماده ۴۴۱ ق. م مقرر می دارد: «خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است ثمن را استرداد کند». البته شاید این ایراد وارد شود که در ماده ۴۴۱ ق. م. خیار تبعض صفقه زمانی حاصل می شود که قرارداد نسبت به بخشی از مورد معامله (قرارداد) به جهتی از جهات باطل باشد و همانگونه که می دانیم «بطلان» با «انفساخ» تفاوت دارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ۳۳۵ و شهیدی، ۱۳۸۶، ۲۳) به بیان روشن تر، موضوع مورد بحث ما، زمانی است که قراردادی به طور صحیح منعقد شده و سپس مانعی، اجرای آن را نا ممکن سازد، در حالی که موضوع ماده مذکور (ماده ۴۴۱ ق. م) موردی است که اجرای بخشی از معامله، از همان ابتدا ممکن نبوده است. در این صورت آیا باز هم می توان به ماده ۴۴۱ استناد کرد؟

واقعیت این است که پاسخ به این سوال مثبت است و «باطل» بودن، خصوصیتی در این ماده نداشته و باید آن را به تمام گونه های انحلال و انفساح تسری داد. علاوه بر این هم در ادبیات فقهی و هم در نوشته های حقوقی ما گاه اصطلاح « بطلان » را به اعتبار وضع عقد پس از انحلال، برای عقد بهم خورده نیز به کار می برند، ماده ۴۴۱ ق. م نیز از آن موارد است. فرد شایع از مواردی که باعث تبعیض در عقد می شود، بطلان آن نسبت به بعض مبیع است ولی می دانیم که پاره پاره شدن عقد در هیچ عقد معوضی روا نیست و حفظ تعادل اقتصادی قرارداد ایجاب می کند که در مجموع مورد نظر اخلاص نشود. همچنین باید بپذیریم که « بطلان » هیچ اثری جز ایجاد «تبعض صفقه» ندارد و از انفساخ نیز همین نتیجه به دست می آید. (اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۲۱۸)

۶-۱-۴- تعدیل قرارداد

برای درک مطلب ابتدا به ذکر مثالی می پردازیم. در « دعوی فیروززا^۱» فروشندگان انگلیسی تعهد کرده بوند ماشین آلاتی به خریداران لهستانی بفروشند و آنها را بر طبق مقررات «سیف» در بندر گدنیای^۲ لهستان به خریداران تحویل دهند. قرارداد در ژاوه ۱۹۳۹ بین طرفین منعقد گردید و در همان ماه مبلغ ۱۰۰۰ پوند از بهای معامله پرداخت شد. در آغاز سپتامبر ۱۹۳۹ انگلستان و لهستان هر دو با آسمان وارد جنگ شدند و در ۲۳ سپتامبر قبل از اینکه هیچگونه ماشین آلاتی تحویل خریدار شود، بندر گونیا به وسیله نیروهای آلمانی اشغال گردد و در اثر این اشغال، قرارداد عقیم شد. خریداران جهت استرداد ۱۰۰۰ پوند پیش پرداخت، اقامه دعوی کردند و در حکم صادره مستحق دریافت پیش پرداخت مزبور شناخته شدند. اما کارهای اولیه و هزینه های مقدماتی مربوط به تهیه و ساخت ماشین آلات، بلا تکلیف ماند. البته خواهان ها موفق به دریافت پیش پرداخت خود شدند، ولی این عملاً و کاملاً با عدالت تطبیق ندارد و بر طبق کامن لا درست و موجه نیست؛ زیرا فروشندگان صرفاً به خاطر تصرف محل تحویل کالاها به وسیله دشمن، بدون هیچ گونه جبران خسارتی نسبت به آنچه که قبل از عقیم شدن قرارداد متحمل شده بودند رها شدند.

۱. Fibrosa

۲. Gdunia



این مسأله و مسائلی از این قبیل بود که اعمال تعدیل را ضروری ساخت و قانون گذار انگلیسی تدبیری اندیشید و قانون «اصلاح قانون قراردادهای عقیم شده» را به تصویب رساند. قانون مزبور قراردادهایی اعمال می‌شود که قانون انگلیسی بر آنها حاکم باشد. (مومنی، ۱۳۶۷، ۲۹۱) از آنجا که این رویه در حقوق انگلستان غیر عادلانه توصیف می‌شد بعداً رویه قضایی ناشی از پرونده «فیبروزا» مورد عمل قرار گرفت و از تندی و خشونت حقوق انگلیس کاسته شد و بعد از آنکه پرونده فیبروزا نیز نتوانست مشکلات مطروحه را به طور قاطع حل نماید، «قانون تعدیل قراردادهای عقیم شده» در سال ۱۹۴۳ به تصویب رسید. این قانون با این هدف تصویب شد که دادگاه‌ها را قادر نمایند تا مورد اختلاف را براساس «انصاف و عدالت»^۱ مورد رسیدگی قرار دهند و هزینه‌های مربوطه را بین طرفین تعدیل و سرشکن کند. (مومنی، ۱۳۶۷، ۲۹۳ و نیکبخت، ۱۳۷۴، ۱۱۸)

۶-۲- آثار عقیم شدن بر مسئولیت

شاید مهمترین اثر عقیم شدن قرارداد، بری ساختن متعهد از مسئولیت باشد. عقیم شدن در واقع یک علت خارجی است که بدون دخالت متعهد مانع اجرای تعهد شده است و بدین گونه مسئولیت عدم انجام تعهد و بالتبع پرداخت خسارت را زایل می‌کند. قانون مدنی کشور ما در همین رابطه مثال زدنی است. در این قانون مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ که بیانگر تأثیر قوه قاهره و نهادهای مشابه از جمله عقیم شدن قرارداد، در حقوق ایران است، به طور کلی مربوط به موضوع خسارت‌ها است و در مورد وضعیت قرارداد در چنین حالتی سکوت کامل اختیار کرده است. این دو ماده قانونی ماده قانونی اصولاً در مبحثی تحت عنوان «خسارات حاصله از عدم اجرای تعهد» جای گرفته و تنها متعرض همین مسأله هستند. جالب اینکه در قانون مدنی فرانسه نیز بیان صریحی در مورد وضعیت قرارداد در این حالت وجود ندارد و مواد ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه که مأخذ و پیشینه دو ماده مذکور در قانون مدنی ایران است منحصرأً گویای حکم زیان‌ها است. (اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۲۲۸)



به هر حال هم در ایران و هم در فرانسه، تخلف از قرارداد همیشه مسئولیت آور است مگر آن که این تخلف به دلیل رخدادی باشد که اوصاف و شرایط نهادهایی چون عقیم شدن و قوه قاهره را دارا باشد. در این صورت است که متخلف از مسئولیت و پرداخت خسارت معاف خواهد بود.



نتیجه گیری

با توجه به آنچه در طول این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت می توان به نتایج ذیل به طور اختصار دست یافت:

۱- با توجه به اینکه تعریف مشخص و دقیقی در رابطه با عقیم شدن قرارداد وجود ندارد، می توان این نظریه را این چنین تعریف نمود: عقیم شدن یا انتقای قرارداد که معادل فارسی فراستریشن در حقوق کامن لا و مشخصاً حقوق انگلیسی می باشد به این معناست که هرگاه پس از انعقاد قرارداد، اجرای آن بر اثر حادث شدن مانع یا حادثه ای خارجی (غیر قابل انتساب به متعهد)، غیر قابل پیش بینی و غیر قابل دفع، غیر ممکن گردد و یا در صورت امکان اجرا، اساساً با آن چیزی که مورد قصد و توافق طرفین بوده است متفاوت گردد، آن قرارداد را خاتمه یافته تلقی نماییم.

۲- در رابطه با عقیم شدن قرارداد به مبانی متعددی رسیدیم که مهمترین آنها عبارتند از: ۱- نظریه اساسی تعهد ۲- نظریه تعذر اجرای تعهد ۳- نظریه شرط ضمنی و همچنین مبنای فقهی این نظریه را « بطلان کل عقد یتعذر الوفا» یا همان بطلان عقد به لحاظ تعذر وفا به مضمون آن دانستیم و همچنین به این نتیجه رسیدیم که هر چند مبانی فوق قابل دفاع می باشند اما در عین حال می توان مبنای نظریه عقیم شدن قرارداد را عدالت و انصاف حقوقی دانست؛ زیرا عدالت و انصاف، اجرای قراردادی را که امکان اجرای آن ناممکن و یا اساساً متفاوت با آن چیزی که مورد قصد و توافق طرفین قرارداد بوده است را لازم نمی داند.

۳- برای تحقیق عذر عدم امکان اجرای تعهد یا قرارداد از جمله عقیم شدن قرارداد حصول عرفی چند شرط لازم و ضروری است که این شرایط عبارتند از: ۱- خارجی بودن حادثه ۲- اجتناب ناپذیر و غیر قابل دفع بودن حادثه ۳- غیر قابل پیش بینی بودن حادثه و برخی به این سه شرط، شرط چهارمی هم اضافه نموده اند که همان رابطه علیت میان مانع و عدم اجرای قرارداد یا تعهد است.

۴- موقتی یا دائمی بودن مانع و حادثه ای که منجر به عقیم شدن قرارداد می گردد، دارای ویژگی خاصی نیست که بتوانیم آن را علت عقیم شدن قرارداد بدانیم. به عبارتی تفاوتی نمی کند حادثه ای که مانع اجرای قرارداد شده است دائمی باشد یا موقتی. آنچه مهم است، این است که حادثه مزبور

اجرای تعهدات قراردادی را در مقایسه با آنچه به موجب قرارداد تعهد شده و مورد قصد و توافق طرفین بوده است را اساساً و از بنیان متفاوت نماید.

۵- عقیم شدن قرارداد، دارای آثار حقوقی بر قرارداد و مسئولیت است که مهمترین این آثار که مورد توجه نویسندگان و حقوقدانان قرار گرفته است، انحلال یا انفساخ قرارداد و تعلیق آن است. یعنی در صورتی که مانع ایجاد شده بر سر راه اجرای قرارداد، دائمی و همیشگی باشد با انحلال یا انفساخ قرارداد مواجه خواهیم شد و بالتبع آن متعهد را از مسئولیت معاف می دانیم اما در صورت موقتی بودن مانع، تا مرتفع شدن آن، حکم به تعلیق قرارداد خواهیم داد.

علاوه بر دو مورد مزبور، عقیم شدن قرارداد آثار دیگری نیز می تواند داشته باشد که عبارتند از: حق فسخ و تعدیل قرارداد. هرگاه فقط بخشی از اجرای قرارداد ناممکن شود و بخش دیگر همچنان قابل اجرا باشد، باید این حق را برای متعهدله قائل شویم که یا خواهان اجرای آن قسمت از قرارداد که قابل اجرا است شود و یا اینکه بتواند قرارداد را فسخ نماید. و همچنین با توجه به شرایط قرارداد گاهی لازم است که قرارداد تعدیل و خسارت وارده بین طرفین تقسیم و سرشکن شود.

۶- دکترین عقیم شدن قرارداد اختصاص به کشور خاصی، علی الخصوص انگلیس نداشته و می تواند در همه کشورها و نظام های حقوقی مورد استفاده و استناد قرار گیرد، همانگونه که هم اکنون نیز در اکثر کشورهای جهان با نام های متفاوت مورد استناد قرار می گیرد. بنابراین، این تئوری می تواند در تمامی زمینه های حقوق، اعم از داخلی و یا خارجی و خصوصی یا جزایی موثر واقع شود.

با توجه اهمیت موضوع مورد بحث، برخورد لازم می دانیم که پیشنهاداتی را به شرح ذیل ارائه نمایم:

۱- به تمام متعاقدين، وکلای آنها و سایر اشخاصی که قانوناً حق انعقاد قرارداد را دارا می باشند توصیه می گردد که شرط فراستريشن یا عقیم شدن قرارداد را در صورت محتمل الوقوع بودن بروز این حوادث در متن قرارداد خویش لحاظ نمایند و در صورت بروز حوادث مورد نظر به آنها استناد نمایند.

۲- از آنجایی که خلاء موادی در رابطه با فراستريشن یا عقیم شدن قرارداد، در قانون مدنی و سایر قوانین مدونه کشورمان از عمق وجود حس می شود، لذا به قوه مقننه و علی الخصوص کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می گردد، که مواردی در رابطه با موضوع مورد بحث تصویب



نموده و حتی عندالاقضاء، عقیم شدن قرارداد را از اسباب سقوط تعهدات (در ماده ۲۶۴ ق.م.) قرار دهند. به عنوان مثال متن یکی از مواد پیشنهادی می تواند به شرح ذیل باشد:

«در صورتی که اجرای قرارداد منعقد، به علت بروز حوادثی غیر قابل پیش بینی، غیر قابل دفع و غیر قابل انتساب به متعهد غیر ممکن شود و یا در صورت امکان اجرا، اساساً با آن چیزی که مورد قصد و توافق طرفین بوده است گردد، قرارداد مزبور منفسخ خواهد شد.

تبصره: در صورتی که حادثه مورد نظر موقتی باشد و پس از مدتی مرتفع گردد می توان تا مرتفع شدن حادثه مزبور، حکم به تعلیق قرارداد، صادر کرد» .

۳- به حقوقدانان، قضات، وکلا و سایر کارکنان محترم دادگستری، توصیه می گردد، در امور محوله قضایی خویش، تا تصویب قوانین مربوطه، به موضوع عقیم شدن قرارداد توجه نموده و تا آنجا که اعمال این موضوع مغایر با سایر قوانین و مقررات و اصول مسلم حقوقی نباشد، آن را مد نظر قرار داده و بر اساس آن عمل نمایند.

۴- با توجه به محدودیت های تحقیق حاضر، از جمله محدودیت نگارشی از ورود به برخی از موضوعات و جنبه های عقیم شدن قرارداد معذور ماندیم لذا با توجه به اهمیت موضوع به تمامی محققین و حقوقدانان پیشنهاد می گردد که موضوع مورد بحث را بیشتر و از زوایای گوناگون مورد تفحص قرارداده، تا ان شاء الله با شناخت بیشتر و همه جانبه تر موضوع و آثار آن، زمینه ساز تصویب قوانین جدید در این باره گردیم.



منابع

- ۱- اسماعیلی، محسن، (۱۳۸۱)، قوه قاهره، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران.
 - ۲- آقایی، بهمن، (۱۳۸۵)، فرهنگ حقوق بهمن (انگلیسی - فارسی) بر اساس Blak's law Ficriony، چاپ سوم، کتابخانه گنج دانش، تهران.
 - ۳- جعفر لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۲)، حقوق تعهدات، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
 - ۴- جعفر لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۵۷)، دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، تهران.
 - ۵- حافظی احمدی، علیرضا، (۱۳۹۲)، قراردادهای تجاری بین المللی و قوه قاهره چاپ اول، انتشارات بینه، تهران.
 - ۶- داراب پور، مهرباب، (۱۳۷۴)، تفسیری بر حقوق بیع بین المللی، جلد سوم، انتشارات گنج دانش، تهران.
 - ۷- شفائی، محمد رضا، (۱۳۷۶)، بررسی تطبیقی نظریه تغییر اوضاع و احوال در قراردادهای، چاپ اول، انتشارات ققنوس، تهران.
 - ۸- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی ۳ تعهدات، چاپ یازدهم، انتشارات مجد، تهران.
 - ۹- صادقی مقدم، محمد حسن، (۱۳۹۰)، تغییر در شرایط قرارداد، چاپ سوم، نشر میزان، تهران.
 - ۱۰- صفایی، سید حسین، (۱۳۷۵)، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
 - ۱۱- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۹)، حقوق مدنی «نظریه عمومی تعهدات، چاپ اول، نشر دادگستر، تهران.
 - ۱۲- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۶)، قواعد عمومی قراردادهای، جلد چهارم، چاپ دوم، شرکت انتشار تهران.
- ب- مقالات**
- ۱۳- افشار قوچانی، زهره، قوه قاهره و مسئولیت مدنی، ماهنامه کانون، سال پنجاه و دوم، شماره ۱۱۳، صص ۱۴۶-۱۲۳، ۱۳۸۹.



- ۱۴- جعفری، علی و تلخایی، مجید، بررسی تطبیقی تعذر اجرای قرارداد در فقه و حقوق ایران و حقوق انگلیس، ۱۳۸۹، ماهنامه معرفت، سال نوزدهم، شماره ۱۴۸، ص ۴۸-۲۹.
- ۱۵- سلیمی، عبدالحکیم، آثار قوه قاهره در قراردادهای بازرگانی بین المللی، مجله تخصصی فقه و اصول، صص ۱۰۶-۸۳، ۱۳۸۴.
- ۱۶- صدیقی زاده، کیانوش، پایان نامه «عدم امکان اجرای قرارداد در حقوق ایران و انگلیس»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، به راهنمایی سید حسین صفایی، تابستان ۱۳۷۵.
- ۱۷- عیسیایی تفرشی، محمد و شرافت پیما، محمد، تأثیر همراهی قوه قاهره با تقصیر خواننده بر مسئولیت مدنی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، ش ۴، صص ۲۲۰-۱۹۳، زمستان ۱۳۸۶.
- ۱۸- محبی، محسن، شرط فورس ماژور، نشریه کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۴۲۱، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۹- مومنی، فرامرز، عقیم شدن قراردادهای تجاری با تأکید بر حقوق انگلیس، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین المللی، ش ۱۰، صص ۲۹۵-۲۶۷، تهران، ۱۳۶۷.
- ۲۰- نیکبخت، حمید رضا، آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد، مجله دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ش ۲۱، تهران، ۱۳۷۴.

ج- قوانین

- ۲۱- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران

۲۲- Haim s. Farhang Moaser , Dictionry (in on volume), Edited in the Reserch unit Darhang Moaser ,Tehran , ۲۰۰۳.

۲۳- Nicholas ,Barry , Force Majure and Frustra tion ,American ,Journal od comparative law , ۱۹۷۹.

۲۴- Treitel , G .H , the law of contract , ۷ thed , London, ۱۹۹۰.

۲۵- walker , David , The oxford compaion to law , clar endon press , oxford , ۱۹۸۰.



The basics, conditions and legal effects of Frustration of contract

Saman Askari^۱

Article Number: JHVMN-۲۰۰۹-۱۳۲۲

Abstract

"Frustration" or "Contractual Impossibility" is one of the contractual excuses originating from Common Law, specifically English Law. According to this contractual excuse, whenever a contract is properly formed but its performance becomes impossible due to an unforeseen external event that cannot be prevented or predicted, or when its performance substantially deviates from what the parties intended and agreed upon, the contract should be considered terminated and void. This research, which was conducted using a descriptive-analytical method, examines the conditions, foundations, instances, and effects of contract frustration. Depending on the case, frustration of a contract may have different effects, which include: suspension of the contract in the case of a temporary obstacle that can be removed after a reasonable period; dissolution or rescission of the contract in the case of a permanent obstacle; the right to rescind the contract if the performance of part of the contract becomes impossible, while the remaining part is still capable of being performed; and the adjustment of the contract to reduce damages between the parties and distribute such damages fairly between them. Therefore, if the performance of a contract becomes frustrated and impossible due to an event as described above, the obligor should be exempted from liability and compensation for the resulting damages. An examination of the foundations, conditions, and effects of contract frustration reveals that this institution, while maintaining the stability of contracts, provides flexibility to accommodate extraordinary events.

KeyWords: Frustration, Frustration of contract, Termination of contract, contractual excuses, change of circumstances.

^۱. Lecturer at Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch and a practicing lawyer at a court.
(Corresponding Author) samanaskari۱۳۶۶@gmail.com

